

قربانیان بی‌محاکمه

به قلم: سراج ادیب

تاریخ نشر: ۲۰۲۵/۷/۲۹

نه دادگاهی برپا شد، نه هیچ قاضی‌یی پرسید: «چرا؟»

چرا کودکان ما قربانی شدند؟ چرا زنان ما، در سکوت سنگ‌ها دفن شدند؟ چرا میلیون‌ها انسان، از خانه تا سرزمین، آواره کوه و دریا شدند؛ بی آن‌که گناهی مرتکب شده باشند؟
خاموشان ما، قربانیان بی‌محاکمه‌اند.



کسانی که نه از مرزها گذشتند، بلکه مرزها از روی آنان عبور کرد.

تکه تکه شدند در زیر چکمه سیاست، بی آنکه حتی نام شان در تیتر خبری درج شود.

و ما، نسل پس از درد، هنوز نمی‌دانیم چگونه باید زخم را مرهم نهیم، وقتی هنوز هم خنجر از پشت می‌آید.

قانون برای آنان نوشته شد که یا بر کرسی قدرت نشستند، یا پشت مرزهای فولادی پنهان شدند. اما برای مادرانی که هر شب با قاب عکس فرزند شهید خود حرف می‌زنند، قانونی نیست؛ فقط اشک است و یک بستر پر از حسرت.

چه شد که انسان‌ها، برای «انسان» بودن باید بهای تمام شده بدهند؟

چه شد که عدالت، فقط بر بایگانی و ارشیف میزهای گرد قدرت باقی ماند؟

در فریاد خاموشان، این بار صدا می‌زنیم:

کجاست وجدان جهان؟

کجاست سازمانی که نامش «ملل متحد» است، اما در برابر اشک ملتی بی‌پناه، فقط قطعنامه صادر می‌کند، نه همدردی؟

کجایند قلم‌هایی که برای آزادی می‌نوشتند، اما در برابر بردگی نوین ما سکوت کردند؟

خاموشان، فقط کسانی نیستند که زبان در کام کشیدند، خاموشان، آنان‌اند که با اشک نوشتند، اما کسی نخواند...
با آه فریاد زدند، اما کسی نشنید...

با خون بر دیوار نوشتند: «ما زنده ایم!»

اما کسی باور نکرد و هنوز هم، در پس هر لبخند کودک مهاجر، در پشت هر چادر پاره شده در اردوگاه، در دل هر دخترکی که از درس محروم ماند، فریاد خاموشی هست...

که اگر روزی برخیزد، جهان از شرمش خواهد لرزید./

ادامه در قسمت پنجم